



دانشگاه باقر العلوم
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشکده: علوم سیاسی، تاریخ و علوم اجتماعی

رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: دانش اجتماعی مسلمین

عنوان:

بررسی انتقادی مکتب کنش متقابل نمادین

از منظر اندیشمندان مسلمان با تأکید بر

آراء علامه طباطبائی

استاد راهنما:

حجه الاسلام و المسلمین دکتر حمید پارسا

استاد مشاور:

حجه الاسلام و المسلمین دکتر قاسم ابراهیمی پور

نگارش:

عابدین تیموری

اسفند □□□□

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



تقدیم به:

چشمان منتظر مادرم و نگاه امیدوار پدرم

تقدیر و تشکر:

لازم است تقدیر و تشکر کنم از استاد گرانقدر جناب استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر حمید پارسانیا که حقیقتاً نقش مؤثری در پیشرفت علمی و تحصیلی ما داشته و با راهنمای‌های علمی و اخلاقی خود باعث تغییر نگرش مثبت و مفیدی در روش و بینش علمی طلاب و دانشجویان شده‌اند. همچنین تشکر فراوان از جناب استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر قاسم ابراهیمی‌پور که ذوق و شوق فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی را در ما زنده کرده و با راهنمایی‌ها و مشاوره‌های دقیق و اخلاق متین خود انگیزه مضاعفی در انجام فعالیت‌های پژوهشی به ما دادند.

چکیده

مکتب کنش متقابل نمادین از جمله رویکردهای تفسیری است که با نگاهی خردبینانه به بررسی کنش انسانی پرداخته است. در این مکتب بر اهمیت ارتباطات نمادین و چگونگی یادگیری نمادها و معانی توسط مردم در جریان کنش متقابل تأکید می‌کنند. همچنین کنش فراگردی پویاست که انسان در آن حضوری فعال داشته و با درک موقعیت و تفسیر آن، کنش مناسب را برمی‌گزیند. رهیافت سنتی مکتب شیکاگو و رهیافت علمی مکتب آیوا دو رویکرد اصلی این مکتب به شمار می‌آیند. فلسفه عمل‌گرایی و پراگماتیسم، مبانی معرفتی این مکتب را شکل می‌دهند که گونه‌ای خاص از انسان‌شناسی را به دنبال داشته است. غفلت از لوازم معرفتی این مبانی، این مکتب را با انتقادهای زیادی روبه‌رو ساخته است. بدین منظور در این پژوهش با استفاده از روش‌شناسی بنیادین، به تحلیل این مبانی و سپس با رویکردی انتقادی، بر بنای حکمت صدرایی و از منظر علامه طباطبایی به نقد آن‌ها می‌پردازیم. در این مکتب سودمندی و فایده‌مند بودن، معیار و ملاک صدق بوده و یقین منطقی به یقین روان‌شناختی تقلیل پیدا کرده است. نتیجه این نگرش، نسبیّت در فهم و عدم دستیابی به معرفت است. نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین، با قطع ارتباط انسان با عالم ماوراء طبیعت، با نگاهی اومانستی به انسان می‌نگرند. آن‌ها با سلب اختیار از فرد و تأثیرپذیری از دیگران در جریان کنش متقابل، چهره‌ای منفعل از انسان را نشان داده و با فرو کاستن آگاهی به روابط میان فردی، هرگونه حقیقتی و رای فهم انسان را نفی می‌کنند. از اینرو به دلیل بی‌توجهی نسبت به سایر ابعاد وجودی انسان و ضعف در انسان‌شناسی، توان تحلیل و تفهیم کامل و دقیق کنش انسانی را از دست داده و تفسیری ناقص از کنش انسانی ارائه نموده‌اند. همچنین معیار صحیحی برای سنجش و گزینش رفتار در موقعیت‌های مختلف توسط افراد ارائه نمی‌دهند و امکان پیش‌بینی کنش و ارائه الگوهای رفتاری مناسب را فراهم نمی‌کنند.

کلید واژه‌ها: کنش متقابل نمادین، مبانی انسان‌شناسی، تفسیر، مید، بلومر، گافمن، علامه

طباطبایی.

فهرست مطالب

چکیده.....و

فصل اول: کلیات

2.....	مقدمه
3.....	سابقه تحقیق
4.....	چارچوب نظری تحقیق
5.....	روش تحقیق
5.....	مفاهیم
6.....	کنش
7.....	کنش متقابل
8.....	کنش متقابل نمادین
9.....	نماد

فصل دوم: زمینه‌های غیرمعرفتی مکتب کنش متقابل نمادین

1-زمینه‌های فردی نظریه‌پردازان برجسته مکتب کنش متقابل نمادین	Error! Bookmark not defined.
1-1. جورج هربرت مید (1863-1931)	Error! Bookmark not defined.
2-1. چارلز هورتن کولی (1864-1929)	Error! Bookmark not defined.
3-1. هربرت بلومر (1900-1987)	Error! Bookmark not defined.
4-1. اروینگ گافمن (1922-1982)	Error! Bookmark not defined.
2-زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری مکتب متقابل نمادین	Error! Bookmark not defined.
1-2. غلبه رویکرد فردگرایانه	Error! Bookmark not defined.
2-2. پیدایش انقلاب صنعتی و شهرگرایی	Error! Bookmark not defined.
3-2. علم‌گرایی	Error! Bookmark not defined.

- 4.2. تأثیر جامعه‌شناسی اروپا Error! Bookmark not defined.
- 5.2. داروینیسیم Error! Bookmark not defined.
- 6.2. پراگماتیسم Error! Bookmark not defined.
- 7.2. رفتارگرایی Error! Bookmark not defined.

فصل سوم: تبیین نظریه

- 1- بنیان‌گذاران مکتب Error! Bookmark not defined.
- 2- معرفی مکتب کنش متقابل نمادین Error! Bookmark not defined.
- 3- پیش‌فرض‌ها Error! Bookmark not defined.
- 4- اصول کلی Error! Bookmark not defined.
- 1.4- تقابل با جامعه‌شناسی کلان Error! Bookmark not defined.
- 1-1-4- انتقاد به رویکردها و ساختارهای کلان Error! Bookmark not defined.
- 2-1-4- تمایز با نظریه‌های جامعه‌شناسی کلان Error! Bookmark not defined.
- 2.4- تأکید بر وجه نمادین کنش متقابل Error! Bookmark not defined.
- 3.4- اتخاذ رویکرد تفسیری Error! Bookmark not defined.
- 5- رهیافت‌ها Error! Bookmark not defined.
- 1.5- رهیافت علمی Error! Bookmark not defined.
- 1-1-5- مانفورد کون Error! Bookmark not defined.
- 2-1-5- روش Error! Bookmark not defined.
- 2.5- رهیافت سنتی Error! Bookmark not defined.
- 1.2.5- نظریه‌پردازان رهیافت سنتی Error! Bookmark not defined.
- 1.1.2.5- جورج هربرت مید (1863-1931) Error! Bookmark not defined.
- 1.1.1.2.5- رفتارگرایی Error! Bookmark not defined.
- 2.1.1.2.5- ذهن (mind) Error! Bookmark not defined.
- 3.1.1.2.5- خود Error! Bookmark not defined.
- 4.1.1.2.5- نقش Error! Bookmark not defined.
- 5.1.1.2.5- نماد Error! Bookmark not defined.
- 2.1.2.5- هربرت بلومر Error! Bookmark not defined.
- 1.2.1.2.5- نفی ساختارهای اجتماعی کلان Error! Bookmark not defined.
- 2.2.1.2.5- انواع کنش Error! Bookmark not defined.
- 3.2.1.2.5- کنش پیوسته Error! Bookmark not defined.
- 4.2.1.2.5- روش Error! Bookmark not defined.
- 5.2.1.2.5- انواع شناخت از نظر بلومر Error! Bookmark not defined.
- 6.2.1.2.5- خود Error! Bookmark not defined.
- 3.1.2.5- چارلز هورتن کولی (1864 – 1929) Error! Bookmark not defined.
- 1.3.1.2.5- تأثیر جیمز Error! Bookmark not defined.
- 2.3.1.2.5- روش Error! Bookmark not defined.
- 3.3.1.2.5- خود و جامعه Error! Bookmark not defined.

- 4.3-1.2.5. خود آینه‌سان Error! Bookmark not defined.
- 5.3-1.2.5. گروه نخستین Error! Bookmark not defined.
- 4-1.2.5. نظریه نقش Error! Bookmark not defined.
- 5.1.2.5. رهیافت نمایشی اروینگ گافمن (1922-1982) Error! Bookmark not defined.
- 1.5-1.2.5. روش Error! Bookmark not defined.
- 2.5-1.2.5. اجرای نمایشی Error! Bookmark not defined.
- 3.5-1.2.5. نقش Error! Bookmark not defined.
- 4.5-1.2.5. مدیریت تأثیر گذاری Error! Bookmark not defined.
- 5.5-1.2.5. خود Error! Bookmark not defined.
- 6.5-1.2.5. هویت فردی و اجتماعی Error! Bookmark not defined.
- 7.5-1.2.5. داغ ننگ Error! Bookmark not defined.
- 6-1.2.5. روزنبرگ Error! Bookmark not defined.
- 1.6-1.2.5. برداشت از خود Error! Bookmark not defined.
- 2.6-1.2.5. انواع خود Error! Bookmark not defined.
- 3.6-1.2.5. نقش در نظر روزنبرگ Error! Bookmark not defined.
- 7-1.2.5. استرایکر Error! Bookmark not defined.
- 1.7-1.2.5. رویکرد تلفیقی Error! Bookmark not defined.
- 2.7-1.2.5. توجه به ساختارها Error! Bookmark not defined.
- 3.7-1.2.5. نقش سازی Error! Bookmark not defined.
- 2.2.5. شباهت‌ها و تفاوت‌های رهیافت‌های مکتب کنش متقابل نمادین Error! Bookmark not defined.
- 1.2.2.5. شباهت‌ها Error! Bookmark not defined.
- 2.2.2.5. تفاوت‌ها Error! Bookmark not defined.

فصل چهارم: مبانی معرفتی مکتب کنش متقابل نمادین

- 1- مبانی هستی‌شناختی Error! Bookmark not defined.
- 1.1. موضوع علوم اجتماعی Error! Bookmark not defined.
- 2.1. حقیقت و واقعیت Error! Bookmark not defined.
- 2- مبانی معرفت‌شناختی Error! Bookmark not defined.
- 1.2. ملاک صدق و کذب Error! Bookmark not defined.
- 2.2. رویکرد ضد طبیعت‌گرایی Error! Bookmark not defined.
- 3.2. تمایز علوم طبیعی و علوم اجتماعی Error! Bookmark not defined.
- 4.2. نفی و رد روش‌های کمی و توجه به روش‌های کیفی Error! Bookmark not defined.
- 5.2. توجه به رویکردهای تفهیمی و تفسیری Error! Bookmark not defined.
- 6.2. روش طبیعت‌گرا Error! Bookmark not defined.
- 7.2. تعریف علم Error! Bookmark not defined.
- 3- مبانی انسان‌شناختی Error! Bookmark not defined.
- 1.3. انسان محوری Error! Bookmark not defined.

- 2_3. انسان برساخته اجتماع Error! Bookmark not defined.
- 3_3. انسان مختار و فعال Error! Bookmark not defined.

فصل پنجم: نقد مکتب کنش متقابل نمادین

- 1_ نقدهای هستی‌شناختی Error! Bookmark not defined.
- 1_1. انحصار عالم هستی به جهان طبیعی و مادی Error! Bookmark not defined.
- 2_1. نفی و انکار حقیقت و واقعیت (نسبی‌گرایی) Error! Bookmark not defined.
- 2_ نقدهای معرفت‌شناختی Error! Bookmark not defined.
- 1_2. نقد معرفتی Error! Bookmark not defined.
- 1_1_2. عدم ملاک صحیح صدق و کذب Error! Bookmark not defined.
- 2_1_2. تقلیل معرفت و یقین به یقین روان‌شناختی Error! Bookmark not defined.
- 3_1_2. نسبی‌گرایی معرفتی Error! Bookmark not defined.
- 4_1_2. قرارداد‌گرایی افراطی Error! Bookmark not defined.
- 5_1_2. فقدان ملاک و معیار سنجش حقیقت و منفعت Error! Bookmark not defined.
- 6_1_2. عدم امکان دستیابی به معرفت Error! Bookmark not defined.
- 7_1_2. خلط بین ادراکات حقیقی و اعتباری Error! Bookmark not defined.
- 2_2. نقد روش تفسیری 122
- 1_2_2. ضعف چارچوب نظری Error! Bookmark not defined.
- 2_2_2. عدم امکان پیش‌بینی و کنترل Error! Bookmark not defined.
- 3_2_2. عدم ظرفیت انتقادی Error! Bookmark not defined.
- 4_2_2. عدم جامعیت Error! Bookmark not defined.
- 3_2. نقدهای روش‌شناختی Error! Bookmark not defined.
- 1_3_2. دخالت دادن فلسفه و روان‌شناسی در مسایل جامعه‌شناختی Error! Bookmark not defined.
- 2_3_2. تکثر در روش Error! Bookmark not defined.
- 3_3_2. عدم توجه به تنوع روش‌ها برای تجزیه و تحلیل مسایل اجتماعی از جمله کنش انسانی Error! Bookmark not defined.
- 4_3_2. تناقض در روش Error! Bookmark not defined.
- 5_3_2. تناقض روشی و ساختاری Error! Bookmark not defined.
- 6_3_2. تناقضات نظری Error! Bookmark not defined.
- 3_ نقدهای انسان‌شناختی Error! Bookmark not defined.
- 1_3. اومانیزم Error! Bookmark not defined.
- 1_1_3. قطع ارتباط انسان با نظام هستی و عالم ماوراء طبیعت Error! Bookmark not defined.
- 2_1_3. تقلیل انسان به حیوان فرهنگ‌ساز Error! Bookmark not defined.
- 3_1_3. غایت‌گرایی مادی انسان Error! Bookmark not defined.
- 4_1_3. غفلت از ابعاد روحی و معنوی انسان Error! Bookmark not defined.
- 5_1_3. دخالت دادن اراده انسان در ملاک صدق و کذب Error! Bookmark not defined.
- 2_3. ضعف در شناخت انسان Error! Bookmark not defined.

- 1.2_3. ضعف انسان شناسی Error! Bookmark not defined.
- 2.2_3. تقلیل هویت انسان به هویت اجتماعی Error! Bookmark not defined.
- 3.2_3. نفی هویت واحد انسانی Error! Bookmark not defined.
- 4.2_3. منفعل انگاری انسان Error! Bookmark not defined.
- 5.2_3. نفی اختیار و اراده آزاد انسانی Error! Bookmark not defined.
- 6.2_3. تناقضات نظری Error! Bookmark not defined.
- 7.2_3. توجه اندک به عواطف انسانی و ارائه تصویر ناقص از فرد Error! Bookmark not defined.
- 8.2_3. فروکاستن آگاهی انسان و ظرفیت تفکر به عوامل بیرونی و اجتماعی Error! Bookmark not defined.
- 3.3. ارائه تفسیر ناقص از کنش انسانی Error! Bookmark not defined.
- 1.3_3. عدم توجه به ریشه های کنش Error! Bookmark not defined.
- 2.3_3. عدم وجود معیار مشخص و صحیح سنجش و گزینش رفتار در انسان Error! Bookmark not defined.
4. نقدهای جامعه شناسی Error! Bookmark not defined.
- 1.4. بی توجهی به ساختارهای کلان جامعه Error! Bookmark not defined.
- 2.4. نادیده گرفتن فنون علمی متعارف Error! Bookmark not defined.
- 3.4. ابهام در نظریه و مفاهیم Error! Bookmark not defined.
- 4.4. ابهام و عدم ارائه تبیینی روشن از نماد و شکل گیری معانی Error! Bookmark not defined.
- 1.4_4. ضعف در فهم و ارائه تفسیری ناقص از کنش انسانی Error! Bookmark not defined.
5. تفسیری دیگر از کنش Error! Bookmark not defined.

فائمه: نتیجه گیری

- پیشنهادات Error! Bookmark not defined.
- پیشنهادات علمی Error! Bookmark not defined.
- پیشنهادات عملی Error! Bookmark not defined.

منابع و مآخذ

فصل اول:

کلیات

مقدمه

مکتب کنش متقابل نمادین از جمله رویکردهای جامعه‌شناسی خرد است که تحت تأثیر پراگماتیسم و رفتارگرایی در جامعه عمل‌گرای آمریکا ظهور و بروز پیدا کرد. این مکتب ریشه در افکار متفکرانی چون پیرس، دیویی، جیمز، توماس، کولی، زیمل و وبر دارد و پس از مید توسط بلومر، گارفینکل، استرایکر، فاین و گافمن ادامه یافت. این مکتب با نگاهی خردبینانه و روش تفسیری - تفهیمی، به بررسی زندگی روزمره مردم و چگونگی تعامل انسان‌ها در زندگی اجتماعی‌شان و جزئیات کنش میان افراد می‌پردازد. نظریه‌پردازان این مکتب معتقدند میان علوم طبیعی و علوم اجتماعی تمایز اساسی وجود دارد. به نظر آنان، برخلاف سایر موجودات، رفتار انسان دارای معناست لذا برای نماد و مخصوصاً زبان نقش مهمی قائلند و بر اهمیت ارتباطات نمادین و چگونگی یادگیری نمادها و معانی توسط مردم در جریان اجتماعی شدن و کنش متقابل تأکید می‌کنند. بنابراین با تأکید بر کنش متقابل میان افراد و در نظر گرفتن کنش‌گر و کنش‌او به عنوان فراگردی پویا، به بُعد تفسیری و توانایی تغییر موقعیت از سوی کنش‌گر توجه ویژه‌ای دارند. از جمله مزیت‌های این مکتب و روش تفهیمی این بود که به تفاوت میان انسان و حیوانات توجه کردند. در تفاوت انسان و حیوان، به عنصر «آگاهی» و در فهم کنش انسانی، به عنصر «نماد» توجه ویژه‌ای دارند. تأملات مید در مورد تفاوت‌های انسان و حیوان و نیز توجه وی به نماد «زبان» و همچنین تفسیر آنها از «نقشی» که افراد در صحنه اجتماعی بازی می‌کنند، در فهم کنش انسانی تأثیر عمیقی برجای گذاشت. رهیافت سنتی مکتب شیکاگو و رهیافت علمی مکتب آیوا دو رویکرد اصلی این مکتب به شمار می‌آیند. رهیافت علمی کون با نفی و ردّ روش‌های همدلانه، به دنبال روشی تجربی و کمی و استفاده از پرسشنامه برای بررسی و تبیین کنش بود اما رهیافت سنتی که با مید و بلومر شناخته می‌شود، به معنا توجه داشته و بر فرایندهای تفسیری بیشتر تأکید می‌کند.

در این پژوهش برآنیم تا مکتب کنش متقابل نمادین را با رویکردی انتقادی مورد بررسی قرار دهیم. از اینرو سؤال اصلی این پژوهش این است که: چه انتقاداتی بر مکتب کنش متقابل نمادین وارد است؟

در همین راستا سؤالات زیر قابل طرح می باشند:

- 1- مبادی غیر معرفتی مکتب کنش متقابل نمادین کدامند؟
- 2- مبانی معرفتی مکتب کنش متقابل نمادین کدامند؟
- 3- رهیافت‌های مکتب کنش متقابل نمادین کدامند؟
- 4- رهیافت سنتی چه تبیینی از کنش انسانی ارائه می دهد؟
- 5- رهیافت علمی چه تبیینی از کنش انسانی ارائه می دهد؟
- 6- نقدهای هستی‌شناختی مکتب کنش متقابل نمادین کدامند؟
- 7- نقدهای معرفت‌شناختی مکتب کنش متقابل نمادین کدامند؟
- 8- نقدهای روش‌شناختی مکتب کنش متقابل نمادین کدامند؟
- 9- نقدهای انسان‌شناختی مکتب کنش متقابل نمادین کدامند؟
- 10- نقدهای جامعه‌شناختی مکتب کنش متقابل نمادین کدامند؟

سابقه تحقیق

در مورد این نظریه تحقیقات نسبتاً خوبی صورت گرفته است؛ با روی کار آمدن نظریه‌های تفسیری، مکتب کنش متقابل نمادین جای خود را در بین نظریه‌های جامعه‌شناسی باز کرد. از جمله کارهای مطرح در این زمینه می‌توان به کار یان. رابرتسون، جانانان. اچ. ترنر، ویلیام اسکیدمور، لوئیس کوزر، آنتونی گیدنز، جورج ریتزر، یان کرایب و نیز غلام‌عباس توسلی، تقی آزاد ارمکی و حسین ابوالحسن تنهایی اشاره کرد. در این میان کوزر، ریتزر و کرایب به نحو شایسته‌تری بحث را مطرح کرده‌اند و به عنوان منابع دست اول محل رجوع هستند. کوزر به زمینه‌های فردی و اجتماعی - به عبارت دیگر مبادی غیر معرفتی - اندیشمندان این مکتب پرداخته و ریتزر نیز به چند نقد کلی و جامعه‌شناختی اکتفا نموده است اما تحقیق یان کرایب به نسبت کامل‌تر و دقیق‌تر است که به بررسی و نقد مبانی نیز پرداخته است.

هر چند تحقیقاتی علمی و پژوهشی در مورد این مکتب صورت گرفته است اما اغلب شرح مختصری است به دور از تحقیقات دقیق و بدون ارائه نقدهای مبنایی و بنایی. همچنین به کاربردهای این نظریه چندان پرداخته نشده و از همه مهم‌تر، این نظریه تاکنون با توجه به مبانی دینی و فرهنگی جامعه ما و از منظر اندیشمندان مسلمان همچون علامه طباطبایی مورد نقد قرار نگرفته است. لذا نیاز هست تا جهت فهم کنش انسانی، با نقد این نظریه و بازخوانی اندیشه اندیشمندان مسلمان در این مسأله، نظریه متناسبی طرح شود. از این رو در گام اول با معرفی این نظریه و استخراج مبانی معرفتی و غیرمعرفتی آن، به نقد این مبانی می‌پردازیم.^۱ براین اساس ویژگی کار ما این است که اولاً نقدهای وارد بر این مکتب را دسته‌بندی نموده و با بیانی نو هر یک از نقدهای معرفتی و روش‌شناختی و جامعه‌شناختی به طور جداگانه مرتب شده است. ثانیاً نقدهای جدیدی مطرح کردیم که تاکنون به آن‌ها پرداخته بودند و توجهی نشده بود. و ثالثاً این مکتب را از منظر متفاوت مورد نقد و بررسی قرار دادیم.

چارچوب نظری تحقیق

هر نظریه علمی بر پایه یک سری مبانی معرفتی و زمینه‌های وجودی غیرمعرفتی شکل می‌گیرد و ملزومات و پیامدهای منطقی مختص به خود را داراست. زمینه‌های معرفتی شامل مبادی، روش‌شناسی بنیادین و رویکردها و مکاتب می‌شود. تحقق زمینه‌های فوق، شرط لازم برای پدید آمدن مفاهیم و ساختار معرفتی نظریه هستند. البته نظریه پس از آنکه تکوین پیدا کرد، روش‌شناسی کاربردی خود را پیدا کرده و حوزه‌های متناسب با خود را نیز فعال می‌گرداند. روش‌شناسی بنیادین با مشخص ساختن مبانی یک نظریه و لوازم و پیامدهای منطقی آن‌ها، زمینه نقدهای مبنایی را نیز پدید می‌آورد. نظریه در جهان علمی علاوه بر زمینه‌های معرفتی از زمینه‌های وجودی دیگری که بیشتر جنبه انگیزشی و غیرمعرفتی دارند نیز بهره می‌برد. زمینه‌های وجودی غیرمعرفتی را می‌توان به انواع متفاوتی تقسیم کرد: الف) عوامل

1. ذکر این نکته لازم است که به دلیل نفوذ بیشتر نظریه روش‌شناسی مردم‌نگر در زمینه بررسی کنش و پرداختن به جنبه‌های خرد و زندگی روزمره مردم و از طرف دیگر به دلیل ضعف‌ها و کاستی‌های نظریه کنش متقابل نمادین، این نظریه زیاد مورد توجه نبوده و کارهای پژوهشی زیادی روی آن صورت نگرفته است. همچنین همان تحقیقات اندکی که صورت گرفته، اکثراً بدون داشتن نکته و حرف جدیدی، به یکدیگر و به طور کلی به چند منبع اصلی که در بالا ذکر شد، ارجاع داده‌اند. از اینرو در این تحقیق نیز سعی شده است با مراجعه به همان منابع اصلی به تبیین این نظریه بپردازیم.

فردی ب) عوامل اجتماعی. عوامل فردی تکوین یک نظریه به زمینه‌های شخصیتی نظریه‌پرداز باز می‌گردد. نبوغ، انگیزه‌های شخصی، زمینه‌های خانوادگی، تجربیات زیستی و خصوصیات روانی از جمله عوامل فردی هستند. عوامل اجتماعی شامل عوامل اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ایدئولوژیک می‌باشد. اما حضور مبانی و بنیان‌های معرفتی یک نظریه در عرصه فرهنگ و وجود انگیزه‌ها و عوامل غیرمعرفتی و غیرعلمی به تنهایی سبب پیدایش یک نظریه علمی نمی‌شود. نظریه علمی در بستر آماده معرفتی خود هنگامی شکل می‌گیرد که مسأله مربوط به آن نیز در چهره فرهنگی و اجتماعی خود ظاهر شده باشد. در این تحقیق به دنبال آن هستیم تا با تبیین و بررسی زمینه‌های معرفتی و غیرمعرفتی نظریه‌کنش متقابل نمادین، با استفاده از روش‌شناسی بنیادین، پیامدهای منطقی این مبانی و زمینه‌ها را بیان کرده و به نقد و بررسی آن‌ها از دیدگاه علامه طباطبایی بپردازیم.

روش تحقیق

جهت‌گیری در این پژوهش، بنیادی است، که مبانی خود را از رئالیسم صدرایی اخذ می‌کند و با رویکردی انتقادی تلاش می‌کند نقد و بررسی مکتب‌کنش متقابل را بر مبنای حکمت صدرایی استراتژی خود قرار دهد. در این تحقیق با استفاده از روش‌شناسی بنیادین به تحلیل مبانی این مکتب می‌پردازیم و سپس از منظر علامه طباطبایی مورد نقد قرار می‌دهیم.

مفاهیم

در درون هر نظریه، عامل و یا عوامل خاص به عنوان علت و یا علل اصلی و یا عامل مسلط در نظریه معرفی می‌شوند. این عوامل تأثیرگذار یا مفاهیم، عناصر اصلی نظریه‌ها بوده و امور کلی هستند که بر موارد جزئی در خارج دلالت می‌کنند. به عنوان مثال، رابطه میان مفاهیم ذهن، خود، جامعه، کنش متقابل، نمادها و نقش، امکان طرح چارچوب‌های کلی نظریه‌کنش متقابل نمادین را فراهم ساختند.^۱ براین اساس مفاهیم اصلی مکتب‌کنش متقابل نمادین و مورد بررسی در این تحقیق عبارتند از: کنش، کنش متقابل، کنش متقابل نمادین و نماد.^۲

1. تقی آزاد ارمکی، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چاپ اول، (تهران: انتشارات سروش، 1376)، ص 13.

2. لازم به ذکر است که برخی مفاهیم از جمله مفهوم ذهن، خود، نقش و... در بحث تبیین نظریه ذیل اندیشمندان این مکتب توضیح داده شده است.

کنش

فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، کنش انسانی است. به طور کلی ویژگی‌های کنش انسانی عبارتند از: آگاهانه بودن، هدف‌دار، معنادار، تناسب با موقعیت‌های زمانی و مکانی.^۱ انسان‌ها اغلب کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای آن انتخاب کرده و انجام می‌دهند، و یا آنکه از بسیاری کنش‌ها به دلیل پیامدهای غیرمطلوب آن اجتناب می‌ورزند.^۲ ویژگی بارز کنش انسانی این است که با اراده و آگاهی انسان انجام می‌شود. به عبارت دیگر همان‌طور که مید نیز می‌گوید رفتار انسان از سایر حیوانات متفاوت است. و تمایز آن‌ها در برخورداری انسان از آگاهی و عنصر تفکر است.^۳ به عقیده مید در رفتار انسان نوعی «تعمد ذهنی» وجود دارد که رفتار او را از دیگر حیوانات متمایز می‌سازد.^۴ به نظر مید و نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین، آگاهی از کنش و کنش متقابل جدا نیست، بلکه بخش سازنده هر دو آن‌ها به شمار می‌آید.^۵ بنابراین یکی از ویژگی‌های کنش، ارادی بودن و آگاهانه بودن آن است؛ یعنی کنش، رفتاری آگاهانه است که فاعل از انجام آن قصد و نیتی را دنبال می‌کند.^۶

اما رفتارهای آگاهانه که موضوع جامعه‌شناسی نیز هستند، ارتباطی تنگاتنگ با اعتباریات دارند. از دیدگاه علامه طباطبایی، انسان آگاهانه و با اراده و اختیار و البته با تکیه بر عرصه اعتباریات دست به عمل می‌زند.^۷ وی رفتار را به دو قسم طبیعی و ارادی تقسیم می‌کند. دسته اول که مشترک میان انسان و دیگر موجودات است، رفتارهای ناشی از طبیعت انسان را در

1. حمید پارسانیا، جهان‌های اجتماعی، چاپ اول، (قم: کتاب فردا، 1391)، صص 24 و 25.

2. همان، ص 28.

3. جورج رینتز، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سیزدهم، (تهران: انتشارات علمی، 1387)، صص 282.

4. همان، ص 275.

5. همان، ص 540.

6. قاسم ابراهیمی‌پور، «کنش از منظر علامه طباطبایی»، فصلنامه علمی پژوهشی معرفت فرهنگی، 19(1394): 21.

7. سید محمدحسین طباطبایی، انسان از آغاز تا انجام، صادق لاریجانی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، چاپ سوم، (قم: مؤسسه بوستان کتاب، 1389)، صص 49-56؛ همو، روابط اجتماعی در اسلام، محمدجواد حجتی کرمانی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، چاپ اول، (قم: مؤسسه بوستان کتاب، 1391)، صص 168 - 174؛ منصوره اولیایی، واقعیت اجتماعی و اعتباریات از دیدگاه علامه طباطبایی و جان سرل، چاپ اول، (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1389)، ص 97.

برمی‌گیرد که آگاهی در تحقق آن دخالت ندارد.^۱ دسته دوم رفتارهایی اند که بدون آگاهی قابل انجام نیستند؛ مانند افعال ارادی انسان و دیگر موجودات دارای شعور.^۲ همچنین کنش‌های انسانی به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. کنش فردی با قطع نظر از اجتماع در نظر گرفته می‌شود اما کنش اجتماعی، کنشی است که با توجه به دیگران انجام می‌دهیم. از اینرو علوم اجتماعی را می‌توان شناخت کنش اجتماعی انسان و پیامدهای آن تعریف کرد.^۳

کنش متقابل

شخصیت انسانی ما از طریق کنش متقابل با دیگران ساخته می‌شود و از این طریق می‌آموزیم که چگونه خود را با جامعه هماهنگ سازیم و به زندگی خویش نظم بخشیم. اساساً «کنش متقابل، اساسی‌ترین فرایند اجتماعی است که جامعه، فرهنگ و بهزیستی شخصی ما را حفاظت و نگهداری می‌کند».^۴ ترکیب زیستی ما، انسان بودن ما را تضمین نمی‌کند. از نظر جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان کنش متقابل، بنیادی‌ترین ظرفیت‌های انسانی ما تا حد زیادی اکتسابی‌اند و در عرصه اجتماع و کنش متقابل و ارتباط با افراد ظهور و بروز می‌یابند. به عبارت دیگر «ما از طریق کنش متقابل با دیگران، در بسترهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی و ساختی انسان می‌شویم».^۵ همچنان‌که اسلام نیز انسان را فطرتاً اجتماعی می‌داند.^۶

براین اساس چون انسان موجودی اجتماعی است لذا برای تفسیر، تبیین و تحلیل کنش او، باید به سراغ جامعه رفت. نمی‌توان بدون در نظر گرفتن جامعه، کنش انسانی را به صورت فردی بررسی کرد، بلکه کنش فردی انسان نیز در درون جامعه و در ارتباط با دیگر افراد جامعه معنا و مفهوم پیدا می‌کند، به عبارت دیگر در راستای «کنش متقابل». اساساً شخصیت فردی و

1. همان؛ سید محمدحسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، سید محمدباقر موسوی همدانی، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1380)، ج 1، صص 164 و 165.
2. همان، ص 165.
3. حمید پارسانیا، *جهان‌های اجتماعی*، پیشین، ص 57.
4. جانانان اچ. ترنر، *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی*، ترجمه محمد عزیز بختیاری و محمد فولادی، چاپ اول، (قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، 1378)، ص 124.
5. همان، ص 155.
6. سید محمدحسین طباطبایی، *روابط اجتماعی در اسلام*، پیشین، ص 48؛ فاطمه شاکرین، *هستی‌شناسی جامعه*، چاپ اول، (قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، 1390)، ص 54.

انسانی فرد نیز در راستای اجتماعی شدن و کنش متقابل شکل می گیرد. لذا نظریه پردازان مکتب کنش متقابل، به عنصر ارتباط متقابل توجه ویژه داشته و رفتاری را کنش تلقی می کنند که در ارتباط متقابل اجتماعی شکل گرفته باشد.

کنش متقابل نمادین^۱

به عقیده نظریه پردازان کنش متقابل نمادین، همه کنش های متقابل میان افراد درون جامعه متضمن تبادل نمادهاست. به عبارت دیگر نمادین است. این مکتب بر این باور است که کنش اجتماعی میان انسان ها ناشی از وجود نمادهای مشترک است. از اینرو بر نقش برجسته «نماد»ها، و نماد زبان به عنوان مهم ترین نماد در کنش متقابل تأکید می کنند. به بیان دیگر همان گونه که در اصول بنیادی این مکتب اشاره می شود، انسان ها طی کنش متقابل اجتماعی، معانی و نمادها را یاد می گیرند و به وسیله آن ها ظرفیت تفکرشان را که مختص انسان است، به کار می اندازند و آن ها را بر حسب تفسیر موقعیت شان، تغییر یا تعدیل می کنند.

از اینرو نظریه کنش متقابل به جای شخصیت یا ساخت اجتماعی، بر کنش متقابل تأکید می کند. مکتب کنش متقابل به جای تأکید بر اینکه چگونه واقعیت یا موقعیت اجتماعی، علل رفتار افراد (یا رفتار فرد) را تعیین می کند، بر طبیعت کنش متقابل اجتماعی دینامیکی که در میان افراد اتفاق می افتد، متمرکز است. واحد مطالعه در این نظریه، کنش متقابل است که تصویری فعال و موثر از انسان را ارائه می دهد. در این کنش متقابل، جوامع ساخته می شود و افراد نیز متحول می گردند. کنش متقابل نمادین بنیاد درک و فهم «خود»، «جهان» و «دیگری» است. اولاً که شما هرگز نمی توانید خودتان را خارج از موقعیتی ببینید و به تصور درآورید. یعنی هرگونه که بخواهید به «خود»تان فکر کنید و یا «خود» را تصور کنید، همواره این خود «در یک موقعیت» است. مثلاً در مهمانی، سر سجاده نماز، در خیابان، در کلاس درس و... همه این موقعیت ها در حقیقت «موقعیت های ارتباطی» هستند. یعنی هر کدام از آن ها متشکل از «نمادهای معناداری» هستند که نه تنها شما را به موقعیتی که در آن قرار گرفته اید، واقف

1. Symbolic interactionism. این اصطلاح تحت عنوان های مختلفی ترجمه شده است؛ از جمله تعامل گرایی، تعامل گرای نمادی، کنش متقابل گرایی، کنش متقابل نمادی و کنش متقابل نمادین (اسکیدمور، 1372، تنهایی، 1372، ریتزر، 1387، کرایب، 1389، لالمان، 1394). به دلیل کاربرد بیشتر کنش متقابل نمادین، در این تحقیق نیز از همین ترجمه استفاده می شود.

می گردانند بلکه به شما امکان مشارکت در آن موقعیت هم می دهند. وانگهی این سخن بدین معنی نیز هست که اگر من و شما می توانیم از «خود» فراتر رویم و درکی از «دیگری» داشته باشیم، صرفاً به این دلیل است که توانا به کنش متقابل و درک «نمادهای ارتباطی» هستیم. مید نیز گوهر کنش متقابل را ناشی از ارسال علائم و ایما و اشارات می دانست. هر موجود زنده ای (ارگانیسمی) باید در درون محیطش عمل کند و هنگامی که چنین می کند، علائم و ایما و اشاراتی را ارسال می کند که طرز عمل او را مشخص می سازد.

«مید احساس کرد که «کنش متقابل» زمانی رخ می دهد که:

- 1- یک موجود زنده همان گونه که در محیط خود حرکت می کند، علائم ارسال می کند.
 - 2- موجود زنده دیگر این علائم را می بیند و طرز عملش را در پاسخ به آنها تغییر می دهد و بدین وسیله علائم خود را ارسال می کند.
 - 3- موجود زنده اولی از علائم این موجود زنده پاسخ دهنده آگاه می شود و طرز عملش را در پرتو این علائم اصلاح می کند.
- هنگامی که این مراحل سه گانه سپری شد، کنش متقابل روی می دهد. همچنین مید فکر می کرد که به هر حال انسانها به شیوه ای منحصر به فرد و خاص، کنش متقابل انجام می دهند. علائمی که می فرستند، می خوانند، دریافت می کنند و پاسخ می دهند، نمادین هستند. بدین معنا که آنها چیز واحد و مشابهی را نسبت به ارسال کننده و دریافت کننده پیام قصد می کنند. و در یک کلمه این نمادها، فرهنگی اند. در نتیجه، کنش متقابل امری مخصوص است زیرا به وسیله علائمی که دارای تعریف فرهنگی اند، واسطه گری می شود. در واقع کنش متقابل ابزاری است که ما به وسیله آن خود را با فرهنگ، ارزشها، باورها و هنجارهای آن مرتبط می سازیم. متقابلاً با متوجه شدن به نمادهای فرهنگی ما می توانیم نقش گیری کنیم»¹.

نماد

براساس دیدگاه کنش متقابل نمادین، انسانها موجوداتی اجتماعی هستند که با افراد دیگر بر مبنای نمادها یا معناهای مفاهیم مشترک به تعامل می پردازند. نماد عبارت است از هر

1. جاناتان اچ. ترنر، پیشین، صص 126-128.

آن چیزی که مردم برای بیان نیازهای روزمره و سبک زندگی خود بر آن توافق می کنند. «هنگامی که مردم به توافق برسند که یک نشانه، علامت چیزی باشد و چه چیزی را ارائه دهد، آن را «نماد» می نامیم»^۱. به طوری که حتی بدن و حرکات فیزیکی انسان نیز به مجموعه ای از نظام های نمادین مربوط می شود؛ چرا که بدن، محور رابطه با جهان است.^۲ لذا انسان ها به سه شیوه نمادین با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند. سه شیوه بنیادی زبان گفتاری، نوشتاری و جسمانی یا رفتاری (ادها و وضعیت های جسمانی) که زبان نقش مهمی در این زمینه دارد.^۳ زبانی که افراد به کار می برند، به کنش متقابل آنها بستگی دارد.^۴

نمادها به طور عام و زبان به طور خاص چندین کارکرد برای کنش گر دارند. نمادها توانایی انسان را برای درک محیط بهبود می بخشد و به انسان قدرت تفکر و اندیشیدن و گزینش می دهند.^۵ «نماد معنادار این توانایی را به انسان می دهد که واکنش خود را «متوقف» و به گونه ای خلاق آن را مرور کند».^۶ کاربرد نمادها به کنش گران اجازه می دهد تا از زمان، مکان و حتی شخص خودشان فراگذرند و جهان را از دیدگاه اشخاص دیگر در نظر آورند. این همان مفهوم مشهور نظریه کنش متقابل نمادین، یعنی مفهوم در نقش دیگری ظاهر شدن است.^۷ نمادها به ما امکان می دهند که از اشیای موجود در جهان فاصله بگیریم و فرایندهایی از اندیشه-آزمایش را به انجام رسانیم. هر وقت که به انجام دادن کاری فکر می کنیم، این اتفاق روی می دهد. وجود زبان است که به ما امکان می دهد فاصله بگیریم و سپس تأمل و انتخاب کنیم. این موضوع ما را به فرایندهای تفسیری ذکر شده در فرض سوم بلومر هدایت می کند.^۸

1. همان، ص 75.

2. داوید لو بروتون، جامعه شناسی بدن، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ اول، (تهران: نشر ثالث، 1392)، ص 14.

3. بروس کوئن، درآمدی به جامعه، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ ششم، (تهران: نشر توتیا، 1386)، ص 40.

4. جوئل شارون، ده پرسش از جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، (تهران: نشر نی، 1379)، صص 170 و

190.

5. جورج ریتزر، پیشین، ص 285.

6. یان کرایب، نظریه اجتماعی مدرن (از پارسونز تا هابرماس)، ترجمه عباس مخبر، چاپ ششم، (تهران: آگه، 1389)،

ص 111.

7. جورج ریتزر، پیشین.

8. یان کرایب، پیشین.

شعوری که انسان را از حیوان متمایز می کند، در قدرت درک و بکارگیری از نمادهاست. اما لازم است این نکته را هم اضافه کنیم که «درک نماد»ها و یا «بکارگیری نماد»ها، هر چند عملی است که فقط از انسان ساخته است، اما چیزی نیست که همین طوری از آدمی سرزند، بلکه محتاج زندگی کردن در جامعه و داشتن روابط اجتماعی به شیوه‌ای خاص است. به عنوان مثال در قلمرو عمومی جامعه‌ی ایران، به همان نسبت که مرد مؤمن شیوه‌ی حضور خاصی دارد (به عنوان مثال، نگاهی مستقیم به چهره‌ی زن ندارد، از دست دادن به زنان پرهیز می کند، در اتاقی در بسته با زنی نامحرم نمی ماند و...) زن مؤمن هم متقابلاً در مقابل مرد نامحرم، شیوه‌ی حضور خاص خود را دارد که خود را ملزم به رعایت آن می کند: مراقب حجابش است، سخن گفتن‌اش جلب نظر نمی کند و

این یعنی ما در جهانی زندگی می کنیم که به واسطه‌ی نمادهای معنادار مدیریت و هدایت می شود. و نکته‌ی مهم این است که برای انسان دارای جامعه و فرهنگ، نسبت این نمادها با انسان‌ها مانند نسبت اکسیژن با زنده ماندن انسان‌هاست. زیرا انسانی که در جامعه و فرهنگ، پرورش یافته است حتی برای یک لحظه هم نمی تواند خود را خارج از نمادهای فرهنگی و اجتماعی تصور کند. آدمی را تصور کنیم که از اعماق تاریخ بیرون کشیده‌ایم، (فرضاً همانی که به آن «انسان نخستین» می گوئیم)، گمان می کنید در برابر تک تک موقعیت‌هایی که برای ما قابل درک و ارتباط هستند (و گاهی هم بسیار لذت بخش‌اند)، چگونه عمل خواهد کرد؟ واقعیت این است که چون قدرت درک نمادهای ارتباط با جهانی که در آن قرار گرفته است را ندارد، بدون هر گونه قدرت عمل می شود و در نتیجه جهان و هستی برایش به کابوس بدل خواهند شد. به هر حال در هر جامعه‌ای که زندگی کنیم، جامعه مربوطه، از ساختارهای گوناگونی (از جمله اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و...) برخوردار است و ما هر عملی که بخواهیم انجام دهیم به طرز شگفتی ناگزیریم که نمادهای معنادار آن ساختارها را در نظر بگیریم. حتی اگر قصد داشته باشیم به طور پنهانی، نظم آن ساختار را برهم زنیم و از آن تبعیت نکنیم (مانند قاچاقی سوار اتوبوس یا مترو شدن و...) باید نمادهای معنادار آن را بشناسیم. باری، هنگامی که می خواهیم قبض آب و برق را پرداخت کنیم، یا خانه‌ای اجاره کنیم و یا با دوستانمان در رستوران غذا بخوریم، یا مسافرتی به خارج از ایران برویم و یا هزاران عمل

روزمره‌ی دیگر (که همواره بدون ذره‌ای فکر به نحوه عملش در حال انجام دانشان هستیم)، بدون در نظر داشتن نمادهای معناداری (که هدایت‌گر به سرانجام رساندن هر کدام از این اعمال هستند)، هرگز نمی‌توانیم قدمی از قدم برداریم. به بیانی دقیق‌تر اگر در عالم فرض، آن انسان نخستین مورد مثال، بخواهد در عصر حاضر زندگی کند، و در جستجوی خانه‌ای هم باشد، قبل از هر چیز باید بداند که برای یافتن خانه می‌باید به بنگاه معاملات ملکی و نه بیمارستان و یا رستوران و یا سینما برود که همین امر تمیز دادن این مکان‌ها از یکدیگر به معنای راه یافتن به نمادهای معنادار است، صرف نظر از اینکه در بنگاه معاملات ملکی باید بتواند با ادبیات مسلط در آنجا ارتباط برقرار کند.

درجه موفقیت یا عدم موفقیت «کنش متقابل نمادین»، به ذخایر مشترک نمادهای معنادار بین آدم‌ها بستگی دارد. وقتی به یاری کنش متقابل نمادین اگر ظرفیت و توان فراتر رفتن از خود را داشته باشیم و همین‌طور مجهز به نمادهای معنادار مشترک با «دیگری» باشیم، آیا این بدین معنی نیست که می‌توانیم از «خود»مان، خودی «وانمودی» به دیگری ارائه دهیم. به عنوان مثال، اگر کسی آدم مؤمنی نباشد اما نمادهای معنادار «فرد مؤمن» را بشناسد، آیا این احتمال وجود ندارد که «وانمود» به «مؤمن» بودن کند؟ به طوری که بتواند دیگران را در مقام «دیگری و مخاطب کنش» فریب دهد؟ همانگونه که می‌بینیم «فریب» دادن طرف ارتباطی و «دروغ» گفتن به او (و موفق شدن) فقط از اینرو می‌تواند اتفاق بیافتد که اساساً کنش متقابل نمادین، متکی بر درک متقابل و فراتر رفتن از خود است.